روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵
www.sharghdaily.ir
یکشنبه ۲۷ فروردین ۱۴۰۲ • ۲۵ رمضان ۱۴۴۴ • ۱۶ آوریل ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۵۳۱ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۴ • اذان مغرب ۱۸:۵۷
اذان صبح فردا ۴:۰۱ • طلوع آفتاب ۵:۳۰

روزنامه شرق

• امروز با گذشت چندین هفته از رهاسازی آب، امیدها برای احیای دریاچه ارومیه، این میراث گران‌بها، زنده شده است. برگشت زندگی به دریاچه موجب حضور گردشگران و زنده کردن خاطره‌های مردم آذربایجان شده است.
عکس: علی ارسلانی، ایرنا

دیالوگ روز

هیروشیما عشق من - آلن رنه - ۱۹۵۹

الی (امانوئل ریوا): چرا باید ضرورت آشکار به یاد آوردن را انکار کرد؟ به من گوش کن. من بیش از اینها می‌دانم. ۲۰۰ کشته و هشت هزار مجروح در ۹ ثانیه... دوباره آغاز خواهد شد. حرارت زمین به ۲۰ هزار درجه خواهد رسید مانند ۱۰ خورشید. آسفالت شعله‌ور خواهد شد. هرج‌ومرج حکم‌فرما. تمامی شهر به هوا پرتاب خواهند شد و به صورت خاکستر به زمین خواهند ریخت. انواع گیاه از شن خواهد رویید. چهار نوجوان با هم در انتظار مرگی حماسی خواهند بود...

تحلیل

آقای رئیسی زمانه را دریابید

محمدجواد لسانی

دهه ۶۰ در یادها مانده است. آنها که مواجهه با هجوم نظامی را تجربه کرده‌اند، سن بیشتری دارند. آنان دردمندانه فرزندان خود را به جبهه فرستادند تا با تدبیر فرماندهان لایق، قرارگاه‌های کشور را از تطاول و زیاده‌خواهی آن سوی مرزها نجات دهند. نسل‌های بعدی دراین‌باره نکته‌ها شنیده‌اند یا در کتاب‌های تاریخ، مو به مو خوانده‌اند. جنگ خانمان‌سوزی در آن سال‌های رفته به ایران تحمیل می‌شود. ارتش متجاوزی با پشتیبانی ده‌ها کشور قدرتمند نظامی، در مناطق زیادی از خاک وطن تاخت‌وتاز می‌کند و شهرهایی همچون دزفول، اندیمشک و آبادان را گاهی در چند نوبت از روز بمباران می‌کند و حتی برخی شهرها همچون خرمشهر را به اشغال خود درمی‌آورد. دولت وقت تصمیم می‌گیرد مردم را در وضعیت جنگی حمایت کند. سستی و غفلت در معیشت مردم در آن مقطع آسیب‌های جبران‌ناپذیری به همراه می‌آورد. طرح کوپن و اعطای دفترچه کالاهای اساسی، آبی بر آتش است تا نیازهای روزمره را پاسخ دهد. مردم حمایت می‌کنند و کار چنان پیش می‌رود که در آن مقطع جنگی، می‌شود از پنیر و تخم‌مرغ تا جهیزیه را با قیمت دولتی تهیه کرد تا زندگی سربلند همچنان جاری باشد. اما بیش از ۴۰ سال پس از آن تصمیم، انتظار می‌رفت که برنامه‌های سازندگی چنان پیش رفته باشد که دیگر نیازی به این راهکار دفاعی باقی نماند. پس اعمال این طرح معیشتی درحالی‌که هجوم، بمباران و اشغالی در میان نیست، چه معنایی می‌دهد؟ مردم پای این خبر جدید معاون وزیر تعاون نظر گذاشته‌اند: ...«کمر مردم با این همه گرانی‌ها شکسته. همه حقوق‌بگیر یا کارمند نیستند، شغل آزاد دارند ولی کو کار؟ تورو خدا به فکر مردم باشید تا کی مرغ کیلویی فلان تومان، گوشت کیلویی بهمان تومان، کرایه‌خانه و هزار و یک بدبختی دیگر. چرا به فکر نیستید!».

نمونه‌های دیگری هم در انفعال دولت می‌توان مثال آورد که تنها به یک مورد بسنده می‌شود؛ مدیریت بحران تهران اعلام می‌کند که به سبب ورود جبهه هوای سرد و نزول باران شدید در روزهای آینده، پیش‌بینی می‌شود مناطقی از غرب پایتخت مثل کن، سولقان و امامزاده داوود را خطر سیل در آخر هفته تهدید کند. این هشدار نشان از آن دارد که پس از سیل خانمان‌سوز سال گذشته در این مناطق بی‌دفاع، هیچ زیرساخت محکمی برای مقابله با سیل احتمالی آماده نشده است. کاری که می‌شد با خط‌کشی و تعبیه ورودی‌های مسیل یا احداث حوضچه‌های وسیع و مناسب در اطراف شهر بر اساس تجربیات اقالیم پیشرفته، با این خطر دامن‌گیر مقابله علمی کرد تا آب باران نیز هدر نرود و برای روزهای خشک ذخیره شود. اما گویا مسئولان امر فقط این دو جمله را یاد گرفته‌اند که پس از مواجهه با واقعه تلخ همدردی کنند و برای دفع خسارات جانی و مالی سیلاب، کمک بخواهند و بگویند که خشک‌سالی و کمبود شدید آب در پشت سدها بسیار جدی است و به این رویه مکرر و آموخته از متصدی قبلی، دل مردم را آشوب کنند. پس چیزی که تقریبا در این یک سال و اندی ثابت شده، مهارت آینده‌نگری در میان کارگزاران دولتی است. در اینجا مقصود از مثال‌آوردن سیل، تذکر درباره اتاق‌های فکری است که در فضای کابینه غیبت آنها به‌شدت احساس می‌شود. ضعف در پیش‌بینی وضع آینده کشور چیز کمی نیست. اکنون هم موضوع پناه‌بردن به کوپن قرار است به صورت کالابرگ الکترونیکی عملیاتی شود. پرسشی که به ذهن متبادر می‌شود این است که دولت در نیمه اول موفقیت نداشت، برای نیمه دوم صدارت چه تدبیری دارد؟ آیا می‌تواند تکانی باعث شود که رفاه اجتماعی را در میان عموم مردم ارتقا دهد یا باز هم در به همان پاشنه کهنه می‌چرخد؟ اقشار نیازمند تحت فشار قرار گرفته‌اند، آنها را دریابید. نقایص در کفایت اقتصادی و فقدان کارآمدی دولت چگونه برطرف می‌شود؟ آقای رئیسی نام شما در تاریخ به چه نحو برده می‌شود؟ برای رفع غفلت‌ها و نارسایی‌ها چه برنامه‌ای دارید تا این طبقه فرودست فقیرتر از گذشته نشود؟ آیا ردیف‌های بودجه با مطالعه وضعیت دهک‌های پایین چیده شده‌اند؟ سرپرستان دلواپس خانواده‌ها با این درآمدهای ناچیز، چگونه می‌توانند برای آینده فرزندان خود افق‌گشایی کنند؟ دایره طبقه آسیب‌پذیر، با افزایش رقم تعرفه‌ها، گسترده‌تر از سال پیش شده است. بی‌تعارف باید به رئیس محترم کابینه توصیه کرد که تنگ‌نظری‌ها در انتخاب اشخاص را به کناری نهد یا درباره آنها مطالعه کند؛ زیرا میهن به‌شدت نیازمند وجود کسانی است که تخصص کافی در کارشان داشته باشند تا برای درمان مشکلات عدیده مردم، طبیبانه عمل کنند. دیگر آنکه با این طرح‌ها، بر اقتصاد صدقه‌ای بیش از پیش تکیه نشود که این امور، اهانت به کرامت انسان‌هاست. شعار امسال هم بسیار شنیدنی است، اما نگاه رئیس دولت برخلاف گذشته که آن را لازم است اجرا کنند، مهار تورم، افزایش تولید و اشتغال‌زایی شدنی است. راه آن هم معلوم است از تقسیم‌بندی سیاسی ذهن دست بردارید و با حضور صمیمانه در دانشگاه‌ها و مراکز مستقل صنعتی از افراد کارآمد کمک بگیرید؛ آنها ممکن است در هر جناح و حزبی باشند، اما شما با دستان باز از آنان کمک بگیرید.

آیا لوح حمورابی اولین آیین‌نامه ساختمانی مدرن است؟

مهدی زارع

انتساب دستاوردهای نوین بشری به یافته‌های باستان‌شناختی همچنان جاری است. گاه منشور (سیلندر) کورش به‌عنوان اولین اعلامیه حقوق بشر خوانده می‌شود و گاه متن «لوح» حمورابی به‌عنوان اولین آیین‌نامه ساختمانی و زلزله. آیا این نوع انتساب‌ها علمی است؟ در این یادداشت به لوح حمورابی با تأکید بیشتری می‌پردازیم. بعد از زلزله‌های ششم فوریه ۲۰۲۳ ترکیه، گاه در صفحات اینترنتی، شبکه‌های اجتماعی و برنامه‌های ماهواره‌ای مطرح می‌شود که بشر در ۱۷۷۵ ق.م (۳۷۷۸ سال قبل) آیین‌نامه ساختمانی داشته، ولی هنوز امروزه در ایران و ترکیه قادر به تنظیم و اجرای آیین‌نامه‌های مدرن نیستند! ولی آیا بشر واقعا سه‌هزارو ۷۷۸ سال قبل آیین‌نامه‌ای ساختمانی و قابل استفاده در مهندسی داشته است؟

در بررسی بیشتر چنین ادعاهایی به ردپای شبه‌باستان‌شناسی یا باستان‌شناسی کاذب می‌رسیم. چنین موضوعی با اعتقاد به ادعاهای شبه‌علمی درمورد پدیده‌ها و یافته‌های طبیعی ریشه مشکل انکار یا ناآگاهی فعال (گاه خود را به نادانی زدن!) از چیستی علم واقعی و نحوه عملکرد آن است. معتقدان به شبه‌علم با این نگاه که علم یا دانشمندان مجاز به عمل بر پایه اعتقادات و ایدئولوژی هستند، به پیش می‌روند. شبه‌علم توانایی افراد را برای داشتن اطلاعات کامل و دقیق و تصمیم‌گیری آگاهانه مهار می‌کند. چنین نگاهی که البته کاملا آگاهانه و بر پایه اعتقاد و احساسات شکل می‌گیرد، می‌تواند بر بسیاری از جنبه‌های زندگی مردم تأثیر بگذارد. خطر به‌طور خاص در اعتقاد به ادعاهای شبه‌باستان‌شناسی این است که به فرد اجازه می‌دهد محتوا را از متن واقعی جدا کند. تمرکز باستان‌شناسی واقعی بر زمینه (محتوا CONTEXT) است. با حذف محتوا از متن، می‌توانید دلبخواه هر معنایی را که تصمیم می‌گیرید به مصنوعات نسبت دهید. گاهی اوقات این به معنای تکیه بر غرایز درونی برای آنچه مصنوع است و به کار بردن نادرست معنای عمیق‌تر است؛ مانند تفسیرهای شبه‌باستان‌شناختی مرحوم «اریک فون دنیکن» روزنامه‌نگار سوئدی که از بعضی مصنوعات یافته‌شده در تمدن «آند» در آمریکای جنوبی در کتاب «ارابه خدایان، ۱۹۶۸» نتیجه می‌گرفت که چون آنها شبیه هواپیماهای مدرن هستند، باید توسط فضانوردان باستانی در آنجا رها شده باشند!

باستان‌شناسی کاذب -که با نام‌های «باستان‌شناسی جایگزین»، «باستان‌شناسی حاشیه‌ای»، «باستان‌شناسی خارق‌العاده» و «باستان‌شناسی فرقه‌ای» نیز شناخته می‌شود- تفسیر گذشته از خارج از جامعه علمی باستان‌شناسی است که جمع‌آوری داده‌ها و روش‌های تحلیلی پذیرفته‌شده این رشته را نادیده می‌گیرد. این تفاسیر شبه‌علمی شامل استفاده از مصنوعات، مکان‌ها یا مواد برای ساختن نظریه‌های شبه‌علمی برای تکمیل ادعاهای شبه‌باستان‌شناختی است. این روش‌ها شامل اغراق در شواهد، نتیجه‌گیری‌های دراماتیک یا رمانتیک، استفاده از مغالطه و جعل شواهد است. هیچ نظریه یا رویکرد شبه‌باستان‌شناسی واحدی وجود ندارد، بلکه تفاسیر مختلفی از گذشته وجود دارد که به‌طور مشترک با تفاسیر توسعه‌یافته توسط جامعه علمی در تضاد است. برخی روایت‌های شبه‌باستان‌شناسی در روایتی رمانتیک از دوره‌ها یا پدیده‌ها و داستان‌های تاریخی شامل برج بابل و کشتی نوح سروکله‌اش پیدا می‌شود. برخی از شبه‌باستان‌شناسان بر این باورند که جهان باستان دارای فناوری پیشرفته بودند، مانند آتلانتیس و این ایده توسط چهره‌هایی مانند گراهام هنکوک در اثر انگشتان خدایان (۱۹۹۵) تبلیغ شده است. دانشمندان باستان‌شناس از شبه‌باستان‌شناسان به دلایل تکیه بر «حساسیت، سوءاستفاده از منطق و شواهد، درک نادرست روش علمی و تضادهای درونی در استدلال‌های خود» به‌شدت انتقاد می‌کنند.

باستان‌شناسی کاذب اغلب وسیله‌ای برای ایدئولوژی‌های نژادپرستانه یا ناسیونالیستی است که در نهایت به چنین نتایجی می‌انجامد که «هوش ایرانی‌ها ۱۱ برابر هوش متوسط جهانی است!». دلبستگی رمانتیک به تاریخ باستان ایران یا بخشی از تاریخ معاصر به آنجا می‌انجامد که استدلال علمی به کنار رود و احساسات، باورها و عقاید مبنای داوری درمورد پدیده‌ها و وقایع تاریخی قرار گیرد. مثلا گروهی اخیرا یافت شده‌اند که در رسانه‌های متنوع موجود و در وب‌سایت‌ها سعی در اثبات این موضوع دارند که در ایران قبل از انقلاب هر آنچه رخ می‌داد، به‌ویژه در ۱۰ سال آخر رژیم گذشته، در جهت شکوفایی بود که با انقلاب ۵۷ متوقف شد و از آن پس به کل علم در ایران به کنار گذاشته شد! برای جاانداختن چنین باوری (بی‌تردید غلط) از دستکاری در تمام شواهد و دلایل علمی و واقعی از گذشته باستان تا امروز ایران کوتاهی نمی‌کنند. هرکس هم با چنین رویکرد «یکسره سیاه» از تصویر آنها از ایران امروز مخالف باشد، مزدبگیر، جیره‌خوار و اجیرشده است! یکی از استنادهای اخیرا مطرح‌شده آن است که لوح حمورابی که در ۱۹۰۱ م در شوش (خوزستان ایران) یافت شده، نشان می‌دهد در این منطقه سه‌هزارو ۷۷۸ سال قبل آیین‌نامه ساختمانی وجود داشته، ولی حتی امروزه نیز بعد از حدود ۶۰ سال از اولین پیش‌نویس آیین‌نامه زلزله ایران، در کشور به علم و آیین‌نامه بی‌اعتنایی می‌شود!

لوح حمورابی و قوانین مدرن دارای شباهت‌ها و تفاوت‌های متعددی هستند. برای مثال، هر دو برای حفظ نظم در جامعه هستند. قانون حمورابی کاملا مبتنی بر ساختار اجتماعی است. در لوح حمورابی در بخش «ساختمان» مسئله ۲۲۹ آمده است: «اگر بنّایی برای مردی خانه بسازد و بنای آن را درست نکند و خانه‌ای که بنا کرده فرو بریزد و صاحبخانه را بکشد، سازنده کشته می‌شود». و مسئله ۲۳۳: «اگر بنّا برای مردی خانه بسازد و بنای آن را درست نکند و دیواری ترک بخورد، سازنده باید آن دیوار را به خرج خود مستحکم کند».

سنگ سیاه حاوی کد حمورابی از یک سنگ چهارتنی دیوریتی تراشیده شده است؛ سنگی بادوام اما فوق‌العاده دشوار برای کنده‌کاری که در بالای آن نقش‌برجسته‌ای به طول ۷۶ سانتی‌متر از حمورابی ایستاده که قانون را از شاماش، خدای عدالت بابلی نشسته دریافت می‌کند. این لوح که به صورت متنی در پایان سلطنت حمورابی گردآوری شده، مجموعه‌ای از پیشینه‌های حقوقی نیست، بلکه نثری است که از حکومت عادلانه و پرهیزگار حمورابی تجلیل می‌کند و بیانیه‌ای از اصول است. قانون حمورابی برخی از اولین نمونه‌ها یا قوانین قصاص را ارائه می‌کند که گاهی اوقات به عنوان «چشم در برابر چشم» شناخته می‌شود.

یکی از جنبه‌های مهم باستان‌شناسی، اطلاع‌رسانی نتایج تحقیقات در حوزه باستان به مردم است، ولی بر اساس لایک‌خوردن در صفحات شبکه‌های مجازی، فروش کتاب، پوشش روزنامه‌ها و بعضی برنامه‌های تلویزیونی به نظر می‌رسد عموم مردم به‌شدت مجذوب ادعاهای افراطی‌تر و اغلب شبه‌علمی‌تر کسانی هستند که مدعی استفاده از داده‌های باستان‌شناختی هستند. شبه‌باستان‌شناسی از حقایق برای کمک به تقویت دروغ‌های خود استفاده می‌کند. جزئیات کوچک و علمی می‌توانند داستان‌های بزرگ ولی دروغ را باورپذیر جلوه دهند. تاریخ بررسی‌های باستان‌شناختی نشان می‌دهد عقلانیت و بی‌عقلی با هم به میدان می‌روند؛ هم از لحاظ فیزیکی و هم از لحاظ استعاری. سختی کار آنجاست که بعضی از افرادی که از شبه‌باستان‌شناسی بهره می‌گیرند، در رشته خود -که معمولا حوزه‌ای دیگر از علم است- فردی شاخص و معتبر هستند (یا قبلا بوده‌اند) و با بهره‌گیری از وجهه و اعتبار علمی خود، و به دلیل باورها و احساسات و ایدئولوژی شخصی، از شبه‌باستان‌شناسی بهره می‌گیرند تا آن موضوع مورد نظر خود را جا بیندازند! مثل اینکه امروزه بیش از همیشه از علم فاصله گرفته‌ایم، حتی بیشتر از سه‌هزارو ۷۷۸ سال قبل!

یادداشت

تکرار خطای گشت ارشاد؟

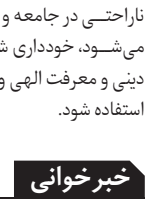

حسین علایی

با مرگ مهسا امینی در جریان بازداشت توسط گشت ارشاد و بروز اعتراضات اجتماعی در بسیاری از شهرها، حالا بر همگان روشن شده است که چگونه به‌کارگیری شیوه‌های غیرعلمی و غیرکارشناسی در مواجهه با خطاهای رفتاری و اجتماعی به‌سرعت به ضد اهداف خود تبدیل می‌شوند.

فعالیت چندین‌ساله گشت ارشاد نه‌تنها از میزان بدحجابی در جامعه نکاست، بلکه موجب واکنش شدید و گسترش کم‌حجابی در بین برخی از خانم‌ها شد. هم‌اکنون نیز متأسفانه دوباره وظیفه برخورد با این معضل اجتماعی بر عهده پلیس گذاشته شده است تا با روش‌های جدید بتواند آن را مهار کند. طبیعی است که نوع پوشش و حجاب، مسئله‌ای اجتماعی و موضوعی اخلاقی است که با وظایف انتظامی و امنیتی فاصله بسیار دارد و ساختار نیروی انتظامی برای روبه‌روشدن با آن مناسب نیست.

خداوند در آیه ۱۲۵ سوره نحل می‌فرماید: «ادع الی سبیل ربک بالحکمه والموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن ان ربک هو اعلم بمن ضل عن سبیله و هو اعلم بالمهتدین»؛ یعنی با حکمت و اندرز نیکو مردم را به سوی پروردگارت دعوت کن و با آن روشی که بهترین شیوه است، با آنها بحث و جدل کن؛ زیرا پروردگارت به کسانی که از راهش گمراه شده‌اند، داناتر است و هم اوست که به هدایت‌شدگان داناتر است. بنابراین پیشنهاد می‌شود از اصرار بر بهره‌گیری از شیوه‌ها و روش‌هایی که موجب افزایش ناراحتی در جامعه و فاصله‌افتادن بین بعضی از مردم با حاکمیت می‌شود، خودداری شود و از روش‌های قرآنی در توسعه اندیشه دینی و معرفت الهی و تشویق به رفتار اسلامی و رواج پوشش بهتر استفاده شود.

خبرخوانی

۵۰۰ روز در غار

رسانه‌های جهان از پایان حضور ۵۰۰روزه یک زن ورزشکار در غاری در ۷۰متری زیر زمین خبر دادند. «بئاتریس فلامینی» این چالش را روز ۲۰ نوامبر سال ۲۰۲۱ یعنی پیش از لغو دستور استفاده اجباری از ماسک به دلیل همه‌گیری کرونا در اسپانیا آغاز کرد. او هنگام دو رویداد «مهم» ۵۰۰ روز اخیر، یعنی آغاز تهاجم نظامی روسیه به اوکراین و درگذشت ملکه بریتانیا زیر زمین بود و هنوز کرونا روی زمین حکم‌فرمایی می‌کرد. او به‌طور داوطلبانه زندگی در غاری در گرانادا را آغاز کرد. بئاتریس از هیچ اتفاقی روی زمین خبر نداشت و این مدت را در انزوای مطلق سپری کرد. تیمی متشکل از روان‌شناسان، محققان و غارشناسان بدون اینکه با بئاتریس تماسی داشته باشند، او را زیر نظر گرفته بودند. کارشناسان از این موقعیت استفاده کردند تا تأثیر انزوای اجتماعی و سرگردانی زمانی را روی انسان مطالعه کنند. خانم فلامینی گفته است بعد از ۶۵ روز شمردن روزها را کنار گذاشته است و دیگر تصوری از زمان نداشته. زمان برای او سریع‌تر از تصورش گذشته و وقتی از غار خارج شد حدس می‌زد حدود ۱۶۰ تا ۱۷۰ روز در غار بوده باشد. بئاتریس که هنگام خروج با جمعی از خبرنگاران مواجه شده بود، به آنها گفت یک سال و نیم است که دوش نگرفته است، اول می‌خواهد دوش بگیرد بعد پاسخ آنها را می‌دهد. او همچنین به دلیل عادت‌نداشتن چشمانش به نو خورشید از عینک آفتابی استفاده کرد. او در این مدت وقتش را به ورزش‌کردن، نقاشی، کلاه‌بافتن و کتاب‌خواندن می‌گذرانده و حدود ۶۰ کتاب خوانده است. بئاتریس یکی از سخت‌ترین موقعیت‌هایش را هنگام حمله گروهی از مگس‌ها توصیف می‌کند. او می‌گوید یک سال و نیم در سکوت به سر می‌برده اما مغزش این سکوت را جبران کرده با توهمات شنیداری که خلق می‌کرده است. از نظر او این تجربه «یگانه و شگرف» بوده است.

سبزخوانی

گوزن زرد احیا می‌شود؟

خبرگزاری مهر: رئیس اداره حفاظت محیط زیست شهرستان ارسنجان اطلاع داد نخستین گوزن زرد ایرانی در سایت پرورش و نگهداری گوزن زرد شهرستان ارسنجان متولد شده است.

حسن ابراهیمی گفت: «همه تمهیدات لازم برای فراهم‌شدن شرایط امن و ایمن زیست گوزن زرد ایرانی در سایت ارسنجان پیش‌بینی شده است». به گفته مسئولان، سایت احیا و تکثیر گوزن زرد ایرانی در ارسنجان این روزها زیستگاهی مناسب برای این دسته از حیوانات و حیات وحش است. این سایت احیا، تکثیر و پرورش گوزن زرد به مساحت حدود ۳۰۰ هکتار در هشت‌کیلومتری شرق شهر ارسنجان در جنگل خلیل‌بیگ واقع شده و زیستگاهی مناسب برای پرورش گونه گوزن زرد است. طبق اعلام این مسئول گوزن زرد در این سایت به دلیل نبود تعارضات ازجمله گونه پلنگ، فراهم‌شدن امنیت، تغذیه و توزیع علوفه در فصول خشک سال، پایش و گشت و کنترل و مدیریت بهینه، رشد نسبتا مطلوب و خوبی داشته است.

یاد

یک پژوهشگر درگذشت

ایسنا: مراسم تدفین و ترحیم دکتر پرویز اذکایی پژوهشگر و مورخ برجسته ایران و همدان امروز برگزار می‌شود. اذکایی مشهور به «سپیتمان» در سال ۱۳۱۸ خورشیدی در همدان زاده شد و جمعه ۲۵ فروردین‌ماه بر اثر بیماری در بیمارستان بوعلی همدان درگذشت. مراسم تدفین این پژوهشگر و مورخ برجسته ایران امروز -یکشنبه ۲۷ فروردین- ساعت ۱۰ صبح در باغ بهشت همدان انجام می‌شود. حدود یک و نیم روز از درگذشت او می‌گذرد، اما پیامی از سوی مسئولان منتشر نشده است. درباره جایگاه این پژوهشگر همدانی، خبرگزاری ایسنا با حسین زندی گفت‌وگو کرده است. این پژوهشگر گفت: «مهم‌ترین آثار علمی در حوزه همدان‌شناسی برای پرویز اذکایی است که علاوه بر نوشتن و تحقیق، پیگیر مسائل اجتماعی و مدنی نیز بود. او همچنین علاوه بر اینکه اموالش را وقف کرده، عمرش را وقف کرده و به همین دلیل بزرگ‌ترین واقف فرهنگی کشور است. به لحاظ شخصیت فردی، او بسیار آدم مستقل، منظم، مهربان، طناز و انسان‌دوست بود. او بسیار وطن‌دوست بود، ایران را دوست داشت و در سخنرانی‌های خود مدام از ایران و زادگاهش می‌گفت. با اینکه می‌توانست مانند کسان دیگر از مملکت برود، نه‌تنها این کار را نکرد بلکه در زادگاه خود ماند. درحالی‌که می‌توانست به تهران برود اما تا پایان عمرش در همدان ماند و برای همدان قلم زد و دلسوزی کرد».

پرویز اذکایی حدود ۱۶ هزار جلد کتاب از جمله کتاب‌های خطی، چاپ سنگی و کتاب‌های نفیس را وقف کرده است. غیر از آن، خانه پدری‌اش را که در یکی از مناطق خوب همدان است، وقف و بنیاد موقوفات اذکایی را در قالب فرهنگسرا ایجاد کرده است. او حتی پس‌انداز خود را هم وقف کرده است. او سپس با بیان اینکه اذکایی علاوه بر نوشتن، در مسائل اجتماعی و مدنی هم فعال بود، ادامه داد: «او برای کوه الوند مرثیه‌سرایی می‌کرد یا نسبت به تخریب‌هایی که در الوند و محیط زیست صورت می‌گرفت، اعتراض می‌کرد. او نسبت به تخریب خانه‌های تاریخی همدان اعتراض داشت و پیگیر ثبت خانه‌ها بود. کم هستند دانشمندانی که به زادگاه خود برگردند و علاوه بر کار حرفه‌ای خود به مسائل اجتماعی نیز بپردازند. از پرویز اذکایی اعم از کتاب و مقاله و گفتارهای علمی مانده که شمارشان به بیش از ۵۰۰ عنوان می‌رسد. اذکایی دکتری تاریخ از منچستر داشت. او در کنار کسانی چون ایرج افشار از نسخه‌شناسان و نسخه‌پژوهان مطرح ایرانی بود که در حوزه نسخه‌شناسی فعالیت می‌کرد. حسین زندیه به یک نکته مهم نیز اشاره کرد و گفت: «گاه پژوهشگرانی که در شهرستان زندگی می‌کنند، ناخودآگاه در یک انزوا فرورفته و رسانه‌ها کمتر سراغشان می‌روند یا خود آنها کمتر تمایل دارند در رسانه‌ها باشند، دکتر اذکایی بسیار آدم باهوشی بود، او دوست داشت دانسته‌هایش را به اشتراک بگذارد و هیچ‌گاه خست به خرج نمی‌داد».